

از طرفی جومونگ و یارانانش با حربه‌ای موفق به فرار از زندان شده‌اند و در راه فرار با نیروهای وزیر اعظم روبه‌رو می‌شوند و درگیری بینشان رخ می‌دهد. درگیری در حال انجام است که امپراتور سر می‌رسد. او مانع حمله نیروهای دربار بویوبه جومونگ می‌شود. به جومونگ می‌گوید از امروز دشمن من و بویوبه هستی؛ ولی از اینجا برو. ساعاتی بعد وزیر اعظم به شدت از این تصمیم امپراتور عصبانی شده و می‌گوید در آینده از نکشتن جومونگ پشیمان خواهی شد. جومونگ به همراه یارانانش به کوهستان برمی‌گردد و خبر کشته شدن یومیول را می‌دهد و مراسمی برایش برگزار می‌کند. در بویوبه، امپراتور تسو را آزاد می‌کند؛ اما او را برای تنبیه و دوری از قصر، فرمانده مرز شرقی می‌کند تا طمع قدرت در او از بین برود. تسو با جمعی از سربازان راهی مرز شرقی می‌شود. آنجا به هم ریختگی و سستی نیروها را می‌بیند و با کشتن فرمانده فعلی هشدار جدی به سربازان می‌دهد. جومونگ با گروه دامول تلاش و فتوحاتشان را ادامه می‌دهند. در یک دقیقه با نشان دادن درگیری گروه دامول با قبایل مختلف و در ادامه تغییر چهره جومونگ و یارانانش، چندین سال زمان جلو می‌رود و گروه دامول تثبیت یافته و قدرتمندتر از پیش شده است. «تمامی این اتفاقاتی که ذکر شد فقط مر بوط به محورهای اصلی یک قسمت (قسمت ۵۵) از سریال افسانه جومونگ بود. اتفاقاتی که در سریال‌های روزمره و متداول این روزها شاید در ۱۰ تا ۲۰ قسمت روایت



کند. در این حین رئیس موبالمو و موسونگ به بویوبه آمده‌اند تا خیردزدیده شدن یومیول را به جومونگ بدهند؛ اما متوجه می‌شوند جومونگ و یارانانش در قصر بویوبه زندانی شده‌اند. آنها با نقشه‌ای وارد قصر می‌شوند و با جومونگ صحبت می‌کنند. جومونگ از دزدیده شدن یومیول با خبر می‌شود. همچنین به آنها می‌گوید به کوهستان بونگی برگردید و خط دفاعی را قوی‌تر کنید. از طرف دیگر به دستور امپراتور، ملکه از زندان خانگی آزاد می‌شود و به دیدار پسرش تسو در زندان می‌رود و او را از اتفاقات قصر آگاه می‌کند. در چنین شرایطی یونگ پو پیشنهاد تحویل جومونگ به امپراتور ی هان را می‌دهد و نقشه می‌کشد تا از این طریق جایگاه و ارتباطی با امپراتور ی هان پیدا کند. امپراتور در برابر پیشنهاد یونگ پو به شدت عصبانی شده و موضوع جومونگ را ادخلی می‌داند. یونگ پو را نیز برای تنبیه، خدمتکار اصطبل می‌کند. در ادامه مشخص می‌شود دزدیده شدن یومیول کار وزیر اعظم بوده، چون او را پشتیبان ذهنی و تحریک کننده اصلی جومونگ در راه زنده کردن گروه دامول می‌داند. وزیر اعظم در حضور امپراتور و جومونگ، یومیول را تهدید می‌کند که جومونگ را از ادامه مسیر ساخت کشور جدید منصرف کند. امپراتور هم از او می‌خواهد برای نجات جان خودش و جومونگ این کار را انجام دهد. یومیول برخلاف خواسته امپراتور و وزیر اعظم، از جومونگ خواهش می‌کند با تمام توان مبارزه در راه آزادی گروه دامول را ادامه دهد و تسلیم هیچ خواسته‌ای نشود. وزیر اعظم از روی عصبانیت یومیول را می‌کشد و حتی قصد کشتن جومونگ را هم دارد که امپراتور مانع می‌شود. در ادامه و در همین شب، قبل از اینکه امپراتور متوجه شود، وزیر اعظم دستور قتل جومونگ را به نیروها می‌دهد و آنها برای قتل جومونگ راهی زندان می‌شوند.

”

در میان مؤلفه‌های روایی متعدد سریال جومونگ، آن بخشی که بسیار برجسته می‌باشد و وجه تمایز روایت سریال شده است، «قصه» می‌باشد. در واقع نه اینکه سریال جومونگ قصه دارد، بلکه همه سریال جومونگ قصه است!

